

حقوق ما

ما از عدالت سہمی داریم

سال دہم، شمارہ ۲۴/۲۴۵ شہریور ۱۴۰۴/۱۵ سپتامبر ۲۰۲۵

محیط زیست؛ حقیقت یاب و دادخواہ

بخش دوم



در این شماره می‌خوانید:

جعبه سیاه آب و محیط زیست ایران؛ نقش رسانه‌ها

حقیقت پشت پرده‌های عمرانی چیست؟

عدالت محیط‌زیستی در نیجریه؛ صدای خاموش دلتا

عدالت محیط‌زیستی یا فاجعه زیست‌محیطی؟ چشم‌انداز غرب ایران

قابلیت‌های حقوقی برای مهار تخریب محیط زیست

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیک‌آهنگ کوثر، روزبه بوالهری، حسین رئیسی و محمد تاج‌دولتی

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است

و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

در اسناد و شواهدی دارد که در موارد بسیاری نادیده گرفته شده‌اند.



نیک آهنگ کوثر

مستندسازی واقعیت‌ها

عدالت بدون گردآوری شواهد و داده‌ها دست‌نیافتنی است. شهادت مردم و جوامع محلی که قربانی شده‌اند، مستندات علمی و عینی مانند تصاویر ماهواره‌ای و سنجش‌های کیفی آب، خاک و هوا، و نیز اسناد رسمی یا غیررسمی شامل قراردادهای، گزارش‌های ارزیابی محیط‌زیستی، مکاتبات اداری و ردپای مالی پروژه‌ها، همه بخشی از این واقعیت‌اند. یکی از مهم‌ترین گام‌ها در کشف حقیقت، ثبت دقیق رویدادها و اقداماتی است که منجر به تخریب‌های بزرگ محیط زیستی شده‌اند. بسیاری از کارشناسان دولتی به دلیل ترس از بیکار شدن یا نگرانی‌های امنیتی سکوت می‌کنند، اما کسانی هم بوده‌اند که منافع ملی را بر منافع فردی ترجیح داده و اطلاعات را در اختیار وکلا، روزنامه‌نگاران مستقل و حتی نمایندگان مجلس قرار داده‌اند. برخی اسناد به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس رسیده، و برخی دیگر در اختیار وکلایی قرار گرفته است تا علیه پروژه‌های انتقال آب یا سدسازی شکایت کنند. با این حال، اغلب نتایج به سود کارفرما، پیمانکار یا مشاور تمام شده؛ همان‌هایی که منفعت شان در اجرای پروژه‌های بی‌مجاز و مخرب بوده است.

فعالان محلی هم گاهی مستنداتی را به رسانه‌های خارج از ایران فرستاده‌اند به امید آن که صدای شان شنیده شود. در برخی موارد، فیلم‌ها و عکس‌ها پخش و تخلقات برملا شده است، اما در اکثر موارد، محیط زیست و بحران آب در اولویت رسانه‌ها قرار نگرفته است و بسیاری از مستندات ارزشمند هیچ‌گاه

ایران امروز زخم‌های بازی دارد؛ زخم‌هایی که نام‌شان را می‌توان روی نقشه پیدا کرد: دریاچه ارومیه، تالاب هورالعظیم، تالاب گاوخونی، جنگل‌های هیرکانی، زاینده‌رود، کارون. هر کدام داستانی دارند پر از فاجعه که نه با یک حادثه، بلکه با سال‌ها بی‌تدبیری، فساد و بی‌تفاوتی انباشته شده است. این‌ها فقط اتفاقات بد اقبالی طبیعت نیستند، نتیجه مستقیم ساختارهایی هستند که محیط زیست را قربانی پروژه‌های پرطمطراق و جیب‌های پر پول به دلیل دریافت کمیسیون و رشوه کرده‌اند.

اصل پنجاهم قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست را وظیفه‌ای عمومی می‌داند و هر فعالیت را که به تخریب آن بینجامد ممنوع اعلام کرده است. اما کافی است که به گزارش‌های رسمی و تصاویر ماهواره‌ای نگاه کنیم تا ببینیم این اصل سال‌ها است به شعاری بی‌جان بدل شده است. همین‌جا است که ضرورت تشکیل یک «کمیسیون حقیقت‌یاب محیط زیست» آشکار می‌شود؛ نهادی مستقل که وظیفه‌اش نه صرفاً جمع‌آوری اطلاعات، بلکه ثبت حقیقت برای مردم، شناسایی مقصران و گشودن راهی برای اصلاح و احیای سرزمین باشد. کار این کمیسیون' بررسی و انتشار محتوای جعبه سیاه آب و محیط زیست ایران خواهد بود. شاید همه تحلیل خود را از علل عمده سقوط زیستی کشور داشته باشند، اما رسیدن به واقعیت نیاز به تدقیق

جعبه سیاه آب و محیط زیست ایران؛ نقش رسانه‌ها



اقتصادی باسابقه که دبیر سرویس هم بوده است، تأکید می‌کند که این موضوع شامل همه همکارانش نمی‌شود. او اما اذعان می‌کند: خبرنگارانی که پرسش‌های سخت و تخصصی درباره پروژه‌های آبی مطرح می‌کنند، معمولاً در انتشار گزارش یا تحلیل‌های خود با سدهای بیشتری روبه‌رو می‌شوند. یک خبرنگار خوزستانی نیز می‌گوید: «برخی خبرنگاران ابتدا مطالب خود را با روابط عمومی چک می‌کنند و بعد برای انتشار می‌فرستند. همین روند باعث شده است که فجایع محیط زیستی یا کوتاهی‌های وزارت نیرو پنهان بماند. اگر کسی خلاف جریان حرکت کند، حتی بخت حضور در جلسات خبری را هم از دست می‌دهد.» او مثال می‌زند: «با وجود آشکار بودن وجود میلیون‌ها تن نمک در محدوده مخزن سد گتوند، هیچ‌کس تا سال ۸۹ چیزی ننوشته بود.» این در حالی است که بر اساس تحقیقات، در اوایل دهه ۸۰، دکتر آرش نادری، استادیار دانشگاه شهید چمران، پس از بررسی منطقه کوه عنبل، گزارشی همراه با عکس و داده‌های علمی به مسوولان آب و برق خوزستان و شرکت توسعه منابع آب و نیرو، و حتی وزیر وقت نیرو، حبیب‌الله بیطرف ارائه کرده بود. اما نه تنها پروژه متوقف نشد، بلکه با فشار بیشتر سپاه و مدیران بالادستی ادامه یافت.

یکی از روزنامه‌نگاران قدیمی بر این باور است که در شرایط کنونی، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای صادقانه یعنی درآمدی زیر ۱۵ میلیون تومان در ماه. و در چنین فضایی، برخی از کارکنان رسانه‌ها تنها از راه همکاری با روابط عمومی‌ها می‌توانند از پس هزینه‌های زندگی برآیند، و همین وابستگی به طور مستقیم بر روی محتوای رسانه‌ها اثر می‌گذارد.

در چند ماه گذشته، ساعت‌های طولانی را صرف گفت‌وگو با روزنامه‌نگاران شجاعی کرده‌ام که حاضر نشدند زیر بار این فساد بروند و از چرخه ارتباطی مافیای آب و برخی رسانه‌ها کنار کشیده‌اند. حتی پرسش‌هایی برای خبرنگارانی که متهم به دریافت «هدیه» بوده‌اند فرستادم، اما پاسخی نگرفتم. تلخ‌تر آن‌که، به گفته برخی از خبرنگاران داخل کشور، این روند پنهان‌کاری و لاپوشانی فساد مافیای آب به رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور هم رسیده است؛ آنجا هم همه واقعیات گفته نمی‌شود.

آیا راهی برای کمک اهالی رسانه و شهروند خبرنگاران به کمیسیون حقیقت‌یاب وجود دارد؟

اگر واقعاً بخواهیم روزی کمیسیون حقیقت‌یاب محیط زیست در ایران تشکیل شود، باید از همین حالا به فکر جمع‌آوری و صیانت از داده‌ها، شهادت‌ها و مستندات باشیم. تجربه کشورهایی مثل آفریقای جنوبی، شیلی یا کلمبیا - که کمیسیون‌های حقیقت‌یاب تشکیل داده‌اند - و همچنین تجربه افشاگری‌های محیط زیستی در جوامع دموکراتیک نشان می‌دهد مسیر هرچند سخت و پرخطر است، اما شدنی است.

با این همه، نباید فراموش کنیم که بسیاری از اطلاعات نیاز به راستی‌آزمایی چند لایه دارند. همچنین، باید توجه کرد که اولویت‌ها کدام هستند؟ اول: باید چند پایگاه امن برای جمع‌آوری اسناد و روایت‌های مردمی ایجاد شود. هر کسی که در ایران زندگی می‌کند و قصد دارد اطلاعات محیط زیستی گردآوری کند باید بداند جان و آزادی‌اش در معرض خطر است. استفاده از ابزارهای امن مثل Signal یا VPN مطمئن، و پرهیز از ذخیره مستقیم داده‌ها روی تلفن یا لپ‌تاپ شخصی ضروری است.

اطلاعات باید از طریق سامانه‌های رمزگذاری شده و ناشناس به خارج از کشور منتقل شود.

دوم: برای امنیت بیشتر، نباید همه داده‌ها در یک نقطه جمع شود. شبکه‌های کوچک و مستقل می‌توانند بخشی از اسناد را گردآوری کنند و سپس از راه‌های امن در اختیار گروه‌های خارج کشور قرار دهند. این پراکندگی جلوی نابودی کامل شواهد در صورت یورش امنیتی را می‌گیرد.

سوم: شهادت‌های محلی باید ثبت شود، اما به‌طور ناشناس باشد. مردمی که قربانی سدسازی، خشک شدن تالاب‌ها یا انتقال آب هستند، باید فرصت روایت داشته باشند، اما بدون ذکر نام یا مشخصات فردی. صدا و تصویر می‌تواند ضبط شود، اما تغییر در صدا و چهره ضروری است. در آینده و با رضایت خود افراد، هویت آنان می‌تواند آشکار شود.

چهارم: استفاده از ابزارهایی که رژیم توان دستکاری‌شان را ندارد، حیاتی است: تصاویر ماهواره‌ای، داده‌های علمی از دانشگاه‌های خارج کشور یا سازمان‌های بین‌المللی و حتی نمونه‌برداری‌های کوچک مردمی. این داده‌ها ستون اصلی مستندسازی خواهند بود.

پنجم: ایجاد شبکه‌ای از دانشگاهیان و متخصصان ایرانی در خارج و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری می‌تواند تضمین کند که داده‌ها اعتبارسنجی شده و در جای امن نگهداری شوند. ایرانیان خارج کشور باید نقش «بانک حافظه» را بازی کنند؛ داخل ایران تنها می‌تواند داده خام تولید کند.

ششم: انتشار مستندات باید حساب‌شده باشد. افشاگری گسترده در داخل ایران ممکن است امنیت و حتی جان خبرنگار یا فعال را به خطر بیندازد.

بنابراین بخشی از داده‌ها باید به طور مستقیم به رسانه‌های آزاد و معتبر خارج از کشور برسد. انتشار نه آن قدر کم باشد که بی‌اثر بماند و نه آن قدر زیاد که منابع داخلی در معرض خطر قرار گیرند.

هفتم: هر سند و مدرک باید از همان ابتدا با نگاه به آینده دادگاه و کمیسیون حقیقت‌یاب ثبت و نگهداری شود: زمان، مکان، جزئیات و زنجیره مسوولیت باید مشخص باشد. حتی اگر نام‌ها فعلاً ذکر نشود، ساختار فساد و روند تصمیم‌گیری باید روشن بماند. مطمئناً راه‌های زیادی برای کمک به عملی شدن فرایند حقیقت‌یابی وجود دارد. اما ایجاد یک کمیسیون حقیقت‌یاب که وابسته به دولت نباشد و با استقلال کار را به نحوی پیش ببرد که بتواند بدون ترس و نگرانی به دولت دوران گذار پیشنهاد و یا حتی هشدار بدهد، نیاز به چارچوب حقوقی شفاف، تضمین استقلال، مصونیت قضایی برای اعضا و شاهدان، و سازوکاری پاسخ‌گو بر پایه اصول حقوق بین‌الملل و عدالت انتقالی دارد.

مرحله نخست کشف حقیقت از جعبه سیاه آب و محیط زیست ایران، به بررسی طولانی نیاز ندارد؛ چرا که آثار سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های فاجعه‌بار پیش چشم همه است. آنچه حیاتی است، شکل‌گیری یک کمیسیون حقیقت‌یاب مستقل است که بتواند این واقعیات را شفاف و قابل فهم عرضه کند؛ کمیسیونی که نشان دهد حقوق شهروندان به‌طور گسترده نقض شده است و مردم را درگیر روند بازسازی کند. به این ترتیب هیچ حکومتی در آینده نمی‌تواند دوباره در غیاب نظارت و مشارکت عمومی، سرنوشت محیط‌زیست و زندگی مردم را به تاراج ببرد.

آبانگان

بسیار بالایی دارند. اگر چنین مراکزی در مناطق خشک و کم‌آب ساخته شوند، بحران آب موجود را تشدید می‌کنند و حتی می‌توانند به کمبودهای شدیدتر دامن بزنند. در مقابل، اگر در مناطق دارای آب کافی ایجاد شوند، بار اضافه آن‌ها روی سیستم انرژی و سبک زندگی جوامع باید بررسی شود.

بنابراین، هر پروژه‌ای باید در چارچوب همبست آب، انرژی، غذا و محیط زیست تحلیل شود. ما دیگر نمی‌توانیم مثل ۶۰ سال پیش فقط بگوییم: «سد می‌سازیم» یا «آب را منتقل می‌کنیم» و خیال کنیم همه چیز درست می‌شود. اگر هم پروژه‌ای به دلایل خاص اجرا می‌شود، باید شفاف به جامعه توضیح داده شود که چه مزایا و چه هزینه‌هایی در بر خواهد داشت.

پرسش: عدالت محیط زیستی در این میان چه جایگاهی دارد؟

میرچی: عدالت محیط زیستی یعنی آن که توسعه نباید به بهای قربانی کردن یک گروه اجتماعی یا یک منطقه تمام شود. طرح‌ها باید پیامدهای محیط زیستی، اجتماعی و سلامت را شفاف کنند و جامعه محلی در جریان قرار گیرد. در آمریکا، نمونه بارز آن حوضه رود کلامت است. در این منطقه، پس از دهه‌ها بهره‌برداری و ساخت سدها، تصمیم گرفته شد چهار سد

مسائل محیط زیستی امروز دیگر موضوعاتی منفک از هم نیستند. آب، غذا، انرژی و حتی عدالت اجتماعی و سلامت عمومی، به صورت پیچیده‌ای به هم گره خورده‌اند. از همین رو، مفهوم «همبست آب، غذا و انرژی» (Water-Food-Energy Nexus) وارد ادبیات علمی و سیاست‌گذاری شده است. برای بررسی این موضوع و پیامدهای آن در ایران، با دکتر علی میرچی، استادیار دانشگاه ایالتی اکلاهما و پژوهشگر حوزه مدیریت منابع آب گفت‌وگو کرده‌ایم.

پرسش: چرا امروز به جای «مدیریت آب» بر اهمیت «همبست آب، غذا و انرژی» تأکید می‌شود؟

میرچی: درک ما از درهم‌تنیدگی موضوعات توسعه‌ای بسیار پیشرفت کرده است. دیگر نمی‌توانیم منابع طبیعی، اقتصاد، سلامت عمومی و پایداری اجتماعی را جدا از هم ببینیم. هر راه‌حل تکنولوژیک، مثلاً پروژه‌های انتقال آب یا تولید انرژی، پیامدهای جدی بر اکوسیستم‌ها و جامعه دارد.

یک مثال روشن، مراکز داده (Data Centers) هستند. این مراکز از نظر اقتصادی می‌توانند برای مناطقی جذاب باشند، اما نیاز آبی و انرژی

حقیقت پشت پروژه‌های عمرانی چیست؟ از حقیقت‌یابی تا درمان آسیب‌های گذشته



تخریب شوند تا رودخانه به وضعیت طبیعی تری برگردد. این تصمیم ساده نبود؛ مخالفان و موافقان داشت، اما در فرآیندی دموکراتیک و مشارکت مردم محلی گرفته شد. همین فرآیند تضمین می‌کند که عدالت محیط زیستی رعایت شود و حقوق جوامع محلی پایمال نشود.

پرسش: در ایالات متحده آیا هنوز می‌توان پروژه‌های بزرگ را بدون ارزیابی اجرا کرد؟

میرچی: خیر. امروز هیچ پروژه بزرگی بدون ارزیابی دقیق محیط زیستی و اجتماعی اجرا نمی‌شود. سازمان حفاظت محیط زیست آمریکا (EPA)، ادارات منابع طبیعی، نهادهای نظارتی و جامعه مدنی همه درگیر هستند. مثال خط لوله «کی-ستون» را به یاد بیاورید. این پروژه اقتصادی بزرگی بود، اما به دلیل اعتراضات گسترده و تحلیل‌های محیط زیستی متوقف شد. در یک جامعه دموکراتیک، رسانه‌ها، فعالان محیط زیست و دانشمندان می‌توانند آزادانه نظر بدهند و این باعث می‌شود پروژه‌ها یا متوقف شوند یا تغییر کنند.

البته حتی در آمریکا هم گاهی پروژه‌ها با مقاومت روبه‌رو می‌شوند، اما تفاوت در این است که کانال‌های دموکراتیک برای طرح نظر و اصلاح تصمیم وجود دارد. در کشورهایی که گردش آزاد اطلاعات محدود است و فساد

سیستماتیک وجود دارد، چنین اصلاحی تقریباً ناممکن است.

پرسش: اگر ایران وارد دوره گذار دموکراتیک شود، حقیقت‌یابی محیط زیستی چه نقشی خواهد داشت؟

میرچی: بخش آب یکی از واضح‌ترین حوزه‌هایی است که آثار تخریب آن عیان شده است: خشک شدن دریاچه ارومیه، فرونشست دشت‌ها و نابودی منابع زیرزمینی. مردم این بحران‌ها را با گوشت و پوست لمس کرده‌اند. در فرآیند حقیقت‌یابی باید پرسیده شود: این تصمیم‌ها چرا گرفته شدند؟ آیا از روی ناآگاهی بود یا آگاهانه منافع فردی و گروهی بر منافع عمومی ترجیح داده شد؟

مثلاً دریاچه ارومیه: آیا ما به‌عنوان جامعه حاضر بودیم آن را قربانی کنیم تا چند سال تولید چغندر قند یا صنایع دیگر رونق بگیرند؟ یا سدسازی‌ها: آیا برای بهبود معیشت مردم بود یا برای فروش پروژه‌ها و منافع گروهی؟

پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند جلوی تکرار همان اشتباهات را بگیرد.

پرسش: آیا باید همین امروز به نسل بعدی مدیران کشور هشدار داد؟

میرچی: قطعاً. برخی پروژه‌ها مثل انتقال آب از



سد طالقان به تهران شاید به‌طور موقت بحران تشنگی را برطرف کنند، اما این‌ها مسکن‌های کوتاه‌مدت‌اند.

راه‌حل واقعی در مدیریت تقاضا و استفاده هوشمندانه از مزیت‌های جغرافیایی و فرهنگی ایران است. به جای تمرکز جمعیت در تهران، باید توسعه گردشگری، خدمات و صنایع پایدار در سایر استان‌ها تقویت شود. ایران ظرفیت‌های عظیمی در تاریخ، فرهنگ و طبیعت دارد که می‌تواند رونق اقتصادی ایجاد کند و فشار از روی منابع آب و انرژی کلان‌شهرها بردارد.

اگر این نگاه تقویت شود، حتی مهاجرت معکوس از تهران به مناطق دیگر امکان‌پذیر خواهد شد. می‌توان از بهترین تجربه‌های جهانی استفاده کرد، اما تکیه بر دانش و توان داخلی، همراه با همکاری انتخابی و تخصصی، مسیر درست اسرائیل همه مشکلات آب ایران را حل خواهد کرد.

این گفته چقدر واقع‌بینانه است؟

میرچی: این یک ساده‌سازی خطرناک است. ظرفیت کارشناسی ایران، چه در داخل و چه در میان متخصصان ایرانی خارج کشور، بسیار بالا است. امروز صدها پژوهشگر ایرانی در دانشگاه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در حال کار روی مسائل آب و محیط زیست هستند.

البته همکاری بین‌المللی لازم است، اما نه با سپردن همه امور به یک کشور خاص. همان‌طور که ایران در پزشکی مقصد گردشگری درمانی است، در حوزه مهندسی و محیط زیست هم ظرفیت‌های فراوانی دارد.

میرچی: برخی می‌گویند با تغییر حکومت، اسرائیل همه مشکلات آب ایران را حل خواهد کرد.



روزبه بوالهری

مناطق قرار دارند که با خطر آسیب‌پذیری بالایی مواجهند و نفوذ کمی هم در تصمیم‌گیری‌ها دارند. منطقه دلتای نیجر یک مثال بارز در این مورد است. دهه‌ها اکتشاف نفت باعث آلودگی خاک، هوا و آب شده و جوامع را فقیر کرده است، در شرایطی که این مناطق دارای منابع غنی و سرشاری هستند. سوزاندن گازهای همراه نفت تقریباً بدون کنترل ادامه دارد و با وجود وعده‌ها برای توقف آن، سلامت و معیشت مردم را نابود می‌کند. در شمال کشور، بیابان‌زایی و خشکسالی که با تغییرات اقلیمی تشدید شده، کشاورزان و دامداران را مجبور به مهاجرت کرده است و منازعات بین آنان را تشدید می‌کند.

در سراسر کشور، تخریب محیط زیست بیشترین ضربه را به اقشار فقیر وارد می‌کند و به طور نامتناسبی کسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که کمترین مسئولیت را در ایجاد این آسیب‌ها دارند، و این در شرایطی است که اشخاص مسئول این وضعیت سود می‌برند و از پیامدها مصون می‌مانند.

پرسش: واکنش شرکت‌های نفتی و دولت نیجریه به درخواست‌ها برای بازسازی محیط زیست در دلتای نیجر چه بوده است؟

یحیی احمد: صادفانه بگویم، کار زیادی انجام نشده است. هم شرکت‌های نفتی و هم دولت‌های متوالی به طور عمده در قبال مشکلات دلتای نیجر شکست خورده‌اند. اگرچه چارچوب‌های دولتی مانند سازمان ملی تشخیص و پاسخ به نشت نفت (NOSDRA)، پروژه پاکسازی آلودگی هیدروکربنی (HYPREP) و قانون صنعت نفت، کانال‌های رسمی برای بازسازی و

گفتگو با یحیی احمد، فعال حوزه تغییرات اقلیمی و توسعه‌دهنده پروژه‌های زیست‌محیطی نیجریه، غول نفتی آفریقا، سال‌هاست که با تناقضی تلخ روبه‌رو است: منابع طبیعی سرشار به جای رفاه، آلودگی، فقر و بی‌عدالتی به ارمغان آورده‌اند. دلتای نیجر، یکی از غنی‌ترین مناطق جهان از نظر ذخایر نفتی، اکنون به نماد بارز این بی‌عدالتی بدل شده است. جوامع محلی در میان شعله‌های دائمی سوزاندن گاز، آلودگی خاک و آب، و فقر سیستماتیک، به حاشیه رانده شده‌اند. در شمال این کشور نیز خشکسالی و بیابان‌زایی، زندگی کشاورزان و دامداران را زیر و رو کرده و منازعات قومی و معیشتی را تشدید کرده است. در این گفت‌وگو، به مهم‌ترین جلوه‌های بی‌عدالتی محیط زیستی در نیجریه، واکنش دولت و شرکت‌های نفتی، راهبردهای جامعه مدنی، و ضرورت اصلاحات حقوقی و نهادی برای آینده‌ای پایدار می‌پردازیم.

پرسش: از دیدگاه شما، شدیدترین نمونه‌های بی‌عدالتی محیط زیستی که در حال حاضر نیجریه را تحت تأثیر قرار داده‌اند، چیستند؟

یحیی احمد: به نظر من، شدیدترین بی‌عدالتی‌های محیط زیستی در نیجریه در

عدالت محیط زیستی در نیجریه؛ صدای خاموش دلتا



منافع جوامع میزبان ایجاد کرده‌اند، پاسخ‌های این نهادها در واقع به طور عمده، ناقص و مملو از فساد است. پاکسازی اوگونی که توسط برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) توصیه شده است، با سرعت بسیار کندی پیش می‌رود و بیش از یک دهه است که جوامع این منطقه همچنان در انتظار آب آشامیدنی سالم هستند. جبران خسارت‌ها، هنگامی که پرداخت می‌شود، ناکافی بوده و با تأخیر همراه است و صدای جوامع در تصمیم‌گیری‌ها نادیده گرفته شده یا حتی حذف می‌شود، در حالی که آلودگی همچنان بدون توقف ادامه دارد.

از دیدگاه جوامع، بسیاری معتقدند که پاسخگویی شرکت‌ها بیشتر تحت فشارهای حقوقی خارجی انجام می‌شود تا به خاطر قوانین پیشگیرانه داخلی.

پرسش: چه راهبردهایی برای جوامع و فعالان در دفاع از حقوق آنها، هم در دادگاه‌های نیجریه و هم از طریق اقدامات حقوقی بین‌المللی، مؤثر بوده‌اند؟

یحیی احمد: موثرترین نتایج از ترکیب بسیج مردمی با اقدامات حقوقی حاصل شده است. دادگاه‌ها در نیجریه حقوق محیط زیستی را تأیید کرده‌اند، و از طرف دیگر، در دعاوی فراملی در هلند و بریتانیا شرکت‌های مادر مسئول شناخته شده‌اند. احکام حقوق بشری منطقه‌ای نیز این تلاش‌ها را تقویت کرده‌اند.

مستندسازی مداوم سوءاستفاده‌ها توسط فعالان محلی، همراه با پوشش رسانه‌ای و شبکه‌های همبستگی جهانی، عامل وادار کردن بازیگران مردد به پذیرش فشارها بوده است. در این

زمینه، فشار بین‌المللی در بسیاری موارد مؤثرتر از نهادهای داخلی بوده است.

پرسش: مدافعان محیط زیست هنگام به چالش کشیدن منافع شرکت‌ها و حاکمیت سیاسی در نیجریه با چه خطرات و پیامدهای شخصی مواجه هستند؟

یحیی احمد: مدافعان محیط زیست در نیجریه در محیطی بسیار خطرناک فعالیت می‌کنند. آنها با آزار و اذیت، تهدید و حتی گاهی خشونت مواجهند. ابراز عقیده می‌تواند به تعقیب، بازداشت یا متهم شدن به جرایم منجر شود. جوامعی که در برابر شرکت‌های قدرتمند مقاومت می‌کنند، با خطر از دست دادن معیشت یا مجازات جمعی روبرو هستند.

فعالان آنلاین نیز با آزار سایبری، تهدیدها و کمپین‌های اطلاعات نادرست مواجهند. در این حال، فقط ترس مداوم مطرح نیست، زیرا برخی به دلیل به چالش کشیدن منافع شرکت‌های قدرتمند کشته یا ناپدید شده‌اند.

بنابراین، پروتکل‌های حفاظتی، حمایت‌های سریع و کمک‌های حقوقی برای حفظ فعالیت‌های مدنی در این شرایط، حیاتی هستند.

پرسش: چه تغییرات قانونی، سیاسی و یا مردمی برای تضمین عدالت محیط زیستی بلندمدت و جلوگیری از سوءاستفاده‌های آینده ضروری است؟

یحیی احمد: ما به بیشتر از اصلاحات ظاهری نیاز داریم. اجرای قوانین، چالش اصلی پیش رو است. در عین حال، نهادهایی مانند NOSDRA و NESREA (سازمان ملی

استانداردها و اجرای مقررات محیط زیستی) باید مستقل باشند، به طور کامل تأمین مالی شوند و از دخالت‌های سیاسی مصون باشند.

همچنین جوامع میزبان باید از قدرت تصمیم‌گیری الزام‌آور در پروژه‌های محلی برخوردار باشند. مجازات‌های واقعی باید برای جرایم محیط زیستی صادر شوند - از جمله اتهامات کیفری برای مدیران اجرایی - نه این که فقط جریمه‌های مالی تعیین شود.

ادغام نظارت‌های مردمی در قانون می‌تواند نظارت میدانی بر پروژه‌ها و اقدامات بازسازی را تضمین کند؛ و نهادهای محلی باید سیاست‌گذاری را هدایت کنند، نه این که صرفاً به عنوان یک مشاور صوری در نظر گرفته شوند.

پرسش: آیا ایجاد یک کمیسیون حقیقت‌یاب محیط زیستی با قدرت‌های اجرایی و حمایت سازمان ملل می‌تواند به حل بحران‌های محیط زیستی نیجریه کمک کند؟

یحیی احمد: بله، البته اگر واقعاً این کمیسیون قدرت اجرایی داشته باشد و بدون قدرت اجرایی و نظارت جهانی، تنها نمایش تبلیغاتی دیگر خواهد بود. به عبارت دیگر، یک کمیسیون حقیقت‌یاب محیط زیستی تحت حمایت سازمان ملل می‌تواند مکانیسمی ارزشمند برای مستندسازی آسیب‌های تاریخی، شناسایی مسئولان و توصیه جبران خسارت‌های قابل اجرا باشد. با این حال، اگر فاقد قابلیت اجرا و نظارت جهانی باشد، این خطر وجود دارد که به یک تشریفات صرف اداری تبدیل شود.

کمیسیون باید داشتن اعتبار عملی، باید اختیار قانونی برای الزام به شهادت، تأیید شواهد و

اجرای یافته‌های خود داشته باشد. نمایندگی جوامع، شفافیت عمومی و تأمین منابع کافی برای جلوگیری از سرنوشت تحقیقات گذشته که گزارش‌هایی فاقد اقدام عملی تولید کردند، حیاتی است.

پرسش: آیا تصویب قوانین جدید لازم است یا می‌توان این کار را به طور مؤثر و تحت چارچوب قانونی و مقرراتی موجود نیجریه انجام داد؟

یحیی احمد: چارچوب قانونی محیط زیستی نیجریه بر روی کاغذ قوی است. قانون NOSDRA، قانون NESREA، قانون صنعت نفت (PIA) و قانون تغییرات اقلیمی اختیارات گسترده‌ای فراهم می‌کنند. با این حال، خلأهای موجود در اجرا و پاسخگویی، اثربخشی آنها را تضعیف می‌کند.

ما به هر دو نیاز داریم: قوانین موجود را به طور جدی اجرا کنیم و قوانین جدیدی برای پر کردن خلأهای موجود تصویب کنیم. در این زمینه، اصلاحات قانونی هدفمند، مانند روشن کردن مسئولیت شرکت‌ها در آسیب‌های محیط زیستی، الزام به تأیید مستقل اقدامات بازسازی و تقویت مجازات‌ها برای جعل داده‌ها، می‌تواند مکمل اجرای قوی‌تر قوانین موجود باشد.

بدون اراده سیاسی، حتی بهترین قوانین نیز فقط روی کاغذ باقی می‌مانند. این مبارزه فقط حقوقی نیست بلکه درباره تغییر قدرت است تا شرکت‌های مسئول آلودگی محیط زیست نتوانند سیستمی را که برای پاسخگویی آنها طراحی شده است، از کار بیندازند.

عدالت محیط زیستی یا فاجعه زیست محیطی؟ چشم انداز غرب ایران



روز به بوالهری

گفت و گو با دکتر منصور سهرابی، آگرو اکولوژیست

مناطق غربی و شمال غربی ایران، از کردستان و کرمانشاه تا ایلام و آذربایجان غربی، سالهاست که قربانی سیاستهای شتابزده مدیریت آب شدهاند. سدسازیهای گسترده، انتقالهای پرهزینه و نادیده گرفتن حقایقها، نه تنها اکوسیستمهای ارزشمند و تالابهای مرزی را به مرز نابودی کشانده، بلکه معیشت جوامع محلی را هم تهدید کرده است. دکتر منصور سهرابی آگرو اکولوژیست ساکن آلمان، در این گفت و گو از نقض حقوق آبی، ناکارآمدی نهادهای رسمی، ضرورت تشکیل کمیسیونهای حقیقت یاب و نقش آموزش، رسانه و عدالت ترمیمی در آینده حکمرانی منابع آب ایران سخن می گوید.

پرسش: نقض حقوق آبی و محیط زیستی مناطق غربی ایران، به ویژه نزدیک به مرز با عراق را چگونه ارزیابی می کنید؟

منصور سهرابی: مناطق غربی و شمال غربی ایران، شامل استانهای کردستان، کرمانشاه، ایلام و آذربایجان غربی، از غنی ترین و حساس ترین حوضه ها و زیرحوضه های آبریز کشور به شمار می آیند. این مناطق نه تنها منابع آبی حیاتی را در خود جای داده اند، بلکه به دلیل تنوع زیستی بالا و حساسیت اکولوژیکی، نقش کلیدی در حفظ تعادل محیط زیست و تأمین معیشت جوامع محلی دارند. رودخانه های مهمی مانند زاب کوچک، سیروان و الوند از این

حوضه ها سرچشمه می گیرند و سلامت آنها برای اکوسیستم های پایین دست و تالاب های مرزی، از جمله تالاب هورالعظیم، حیاتی است. با این حال، سیاست های مدیریت منابع آبی طی سال های اخیر، به ویژه سدسازی های گسترده و شتابزده، چالش های زیست محیطی و اجتماعی جدی ایجاد کرده است.

زاب کوچک با احداث سد کانی سبب در نزدیکی بیرانشهر دچار تغییر مسیر شد. این پروژه که با هدف احیای دریاچه ارومیه انجام شد، نه تنها دریاچه را به شکلی پایدار احیا نکرد بلکه جریان طبیعی رودخانه را کاهش داد و حقایق اکوسیستم های پایین دست را تأمین نکرد. بر روی سیروان نیز سدهایی مانند داریان ساخته شدند که با وجود اهداف تولید انرژی و توسعه اقتصادی، جریان طبیعی آب را مختل و تالاب های مرزی را تهدید کردند. این تغییرات نه تنها ایران بلکه عراق را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در استان های کرمانشاه و ایلام، سدهایی مانند گاوشان و کنگیر با تغییر رژیم رودخانه ها، کاهش حقایق تالاب ها و افت سطح آب های زیرزمینی، به تشدید خشکسالی، گسترش ریزگردها و مهاجرت اجباری روستاییان دامن زده اند. به همین دلیل، نقض حقوق آبی در غرب ایران دیگر فقط یک بحران محیط زیستی نیست، بلکه به مسئله ای امنیتی و انسانی تبدیل شده است.

پرسش: آیا حقوق نقض شده مردم این مناطق ثبت شده است؟ چه اقداماتی انجام شده و چه کارهایی باید صورت گیرد؟

منصور سهرابی: ثبت رسمی موارد نقض حقوق آبی در ایران تاکنون محدود بوده است. بیشتر این موارد در قالب مطالعات دانشگاهی، گزارش‌های فعالان محیط‌زیست و تلاش انجمن‌های مدنی مستند شده‌اند. این گزارش‌ها شواهدی از کاهش حبابه رودخانه‌ها، خشک شدن تالاب‌ها و تأثیرات منفی سدسازی بر معیشت جوامع محلی ارائه داده‌اند. با این حال، این مستندات کمتر به پیگیری حقوقی الزام‌آور منجر شده و اثر محدودی بر سیاست‌گذاری داشته است. برای تحقق عدالت محیط‌زیستی لازم است یک سامانه رسمی و شفاف برای ثبت نقض حقوق آبی و محیط‌زیستی ایجاد شود که بر پایه داده‌های دقیق پیامدهای پروژه‌ها را رصد کند. همچنین نهادهای اجرایی باید به تضمین حبابه‌های طبیعی رودخانه‌ها و تالاب‌ها ملزم شوند. تقویت دیپلماسی آبی از طریق توافق‌های منطقه‌ای، توانمندسازی جوامع محلی برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و استفاده از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌تواند به پیگیری مؤثرتر موارد نقض حقوق آبی کمک کند.

پرسش: آیا می‌توان از یافته‌های کمیسیون برای اصلاح مدیریت منابع آب استفاده کرد؟
منصور سهرابی: یافته‌های کمیسیون حقیقت‌یاب می‌تواند مبنای علمی و حقوقی برای اصلاح سیاست‌ها و مدیریت منابع آب و محیط‌زیست باشد. این شواهد خطاهای گذشته را آشکار می‌کند و راه را برای تدوین راهبردهای اصلاحی باز می‌گذارد. با این حال، برای

جولوگیری از تکرار خطاها باید سازوکارهایی مانند مستندسازی شفاف، ایجاد چارچوب حقوقی الزام‌آور برای اجرای توصیه‌ها، طراحی نظام پایش و ارزیابی مستمر و مشارکت فعال جوامع محلی و کارشناسان از هم‌اکنون در نظر گرفته شود.

پرسش: رسانه‌ها در دهه‌های اخیر چه نقشی داشته‌اند و چگونه باید اصلاح شوند؟
منصور سهرابی: رسانه‌ها در ایران گاه به جای آگاهی‌بخشی، با تحریف واقعیت‌های بحران آب یا ترویج گفتمان‌های ضد محیط‌زیستی، افکار عمومی را منحرف کرده‌اند. برای اصلاح این روند، رسانه‌های مستقل و مبتنی بر علم باید تقویت شوند. روزنامه‌نگاران باید آموزش‌های تخصصی در زمینه محیط‌زیست دریافت کنند و نهادهای نظارتی مستقل نیز بر عملکرد رسانه‌ها نظارت داشته باشند. ارتقای سواد رسانه‌ای جامعه اهمیت دارد تا مردم بتوانند اخبار نادرست را تشخیص دهند. همکاری نزدیک میان رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی نیز می‌تواند کیفیت گزارشگری محیط‌زیستی را ارتقا دهد.

پرسش: آیا می‌توان به متخلفانی که حقیقت را بازگو کنند، فرصت جبران داد؟
منصور سهرابی: بله، این رویکرد بخشی از عدالت ترمیمی است. تجربه‌های جهانی نشان داده است که مشارکت صادقانه متخلفان در فرآیند کمیسیون حقیقت‌یاب می‌تواند به بازسازی اعتماد عمومی و اصلاح روندها کمک کند. جبران گذشته از طریق مشارکت در پروژه‌های احیای تالاب‌ها، بازسازی رودخانه‌ها، اصلاح سیاست‌ها و پذیرش مسئولیت می‌تواند به کاهش آسیب‌ها منجر شود. این فرآیند اگر شفاف و تحت نظارت عمومی انجام شود، اعتماد جامعه را افزایش می‌دهد و فرهنگ عدالت محیط‌زیستی را تقویت می‌کند. در نتیجه، عدالت حقیقت‌یاب چیست؟

پرسش: نقش آموزش و آگاهی‌بخشی در عدالت محیط‌زیستی پس از تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب چیست؟
منصور سهرابی: کمیسیون حقیقت‌یاب زمانی اثرگذار خواهد بود که یافته‌هایش به آگاهی عمومی و تغییر رفتارهای اجتماعی

قابلیت‌های حقوقی برای مهار تخریب محیط زیست



به این بحران فراهم می‌آورد.

ساختار حقوقی بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین ابزارها برای مهار تخریب محیط زیست، بهره‌گیری از حقوق بین‌الملل است. معاهدات و کنوانسیون‌های متعدد در سطح جهانی و منطقه‌ای چارچوب‌هایی برای همکاری دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست فراهم کرده‌اند. در ایران نیز بخش‌هایی از دولت - از جمله سازمان حفاظت محیط زیست - و جامعه مدنی تا حدی به ضرورت استفاده از این ظرفیت‌ها پی برده و در برخی اجلاس‌ها حضور داشته‌اند. با این حال، اقدام جدی و مؤثری برای جلوگیری از خسارت‌های بیشتر صورت نگرفته است. به‌عنوان نمونه، ایران در کنفرانس تغییرات اقلیمی پاریس (۲۰۱۵) و کاپ ۲۹ در دبئی (۲۰۲۴) شرکت داشته، اما این حضور بیشتر جنبه نمادین داشته و به اجرای عملی تعهدات منجر نشده است.

کنوانسیون رامسر (۱۹۷۱)

این کنوانسیون درباره حفاظت از تالاب‌هاست و ایران به‌عنوان یکی از مؤسسان آن نقش مهمی داشته است. با این حال، این جایگاه تاریخی متأسفانه به دلیل بی‌توجهی دولت جمهوری اسلامی ایران به نجات تالاب‌های ایران منجر نشده است. دولت، به جای حفاظت از آنها، بیشتر سرگرم تخریب تالاب‌ها و اداره غیر علمی و نامتوازن کشور بوده است. اختلاف آشکار



حسین رئیسی
وکیل و استاد حقوق بشر

مقدمه

محیط زیست، بستر اصلی حیات انسان و سایر موجودات، در دهه‌های اخیر با تهدیدهای جدی روبه‌رو شده است. تخریب جنگل‌ها، مصرف نادرست و آلودگی آب و خاک، تغییر اقلیم و نابودی تنوع زیستی تنها بخشی از بحران‌هایی هستند که امنیت زیستی، سلامت عمومی و حتی امنیت ملی کشورها را به خطر انداخته‌اند. ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. بحران آب و فرونشست زمین، رهاسازی آلاینده‌ها، نبود سیستم‌های تصفیه فاضلاب، خشک‌شدن تالاب‌ها، سدسازی‌های بی‌رویه، دفع غیر اصولی پسماندهای بیمارستانی و صنعتی، صید و شکار بی‌رویه، تخلیه بی‌محاسبه آب‌های زیرزمینی، تخریب جنگل‌های هیرکانی و زاگرس، و آلودگی شدید هوا در کلان‌شهرها نشانه‌های آشکار عمق این بحران‌اند. پرسش کلیدی این است: چگونه می‌توان از ابزارهای حقوقی برای مهار این روند استفاده کرد؟ حقوق محیط زیست به‌عنوان شاخه‌ای نوین از دانش حقوق، با ترکیب اصول ملی و بین‌المللی، ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای پاسخ

میان مدافعان محیط زیست و رانت‌خوارانی که به دنبال اجرای پروژه پتروشیمی میانکاله هستند - پروژه‌ای که به نابودی کامل تالاب میانکاله در شمال کشور منجر خواهد شد - نمونه‌ای روشن از این تناقض است.

کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲)

این کنوانسیون کشورها را ملزم می‌سازد تنوع زیستی را حفظ و استفاده پایدار از آن را تضمین کنند. ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهایی با تنوع زیستی قابل ملاحظه، باید در چارچوب این کنوانسیون که حاوی نکات مهمی در زمینه حفاظت از تنوع زیستی است، اقدام کند.

پروتکل کیوتو، معاهده پاریس (۲۰۱۵) و

کاپ ۲۹ دبی (۲۰۲۴)

ایران در نشست‌های بین‌المللی اقلیمی فعال بوده و در موضوع تغییرات اقلیمی - که تعهدات مشخصی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مقرر کرده‌اند - همکاری داشته است. آنچه

اما غایب است، پایبندی واقعی به این تعهدات است؛ موضوعی که نه‌تنها ایران بلکه بسیاری از کشورها در عمل به آن بی‌توجه بوده‌اند.

اصل «مسئولیت مشترک اما متفاوت» نیز تصریح می‌کند که همه کشورها در قبال محیط

زیست مسئول‌اند، اما سهم هر کشور متناسب با سطح توسعه و میزان آلودگی ایجاد شده متفاوت است. این اصل، عدالت در همکاری‌های بین‌المللی را تقویت می‌کند.

ساختار حقوق داخلی ایران

اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: حفاظت از محیط زیست که نسل امروز

و نسل‌های آینده باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. این اصل می‌تواند مبنایی برای برخورد با تخریب‌کنندگان محیط زیست و منابع طبیعی فراهم کند.

علاوه بر آن، مجموعه‌ای از قوانین عادی نیز در این حوزه وجود دارد، از جمله:

● قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (۱۳۵۳)

● قانون مدیریت پسماندها (۱۳۸۳)

● قانون هوای پاک (۱۳۹۶)

آیین‌نامه‌های مرتبط با ارزیابی اثرات محیط زیستی

ضعف در اجرای قوانین و فقدان ضمانت‌های مؤثر سبب شده است بسیاری از این مقررات در عمل کارآمد نباشند. برای نمونه، قانون هوای پاک محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای برای

صنایع آلاینده وضع کرده است، اما به دلیل نبود نظارت کافی، بخش عمده‌ای از صنایع همچنان

به آلودگی محیط زیست ادامه می‌دهند. صنعت خودروسازی، یکی از بزرگ‌ترین منابع آلودگی

در ایران، تاکنون با برخورد جدی مواجه نشده است.

جامعه مدنی نیز هرچند طبق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری حق شکایت از مسئولان

و عواملان تخریب محیط زیست را دارد، اما به دلیل سرکوب فعالان این حوزه و نبود قوه

قضاییه مستقل، عملاً امکان استفاده مؤثر از این ظرفیت فراهم نشده است.

عدالت محیط زیستی و حقوق بشر حفاظت از محیط زیست تنها یک ضرورت فنی یا اقتصادی نیست، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق بشر به شمار می‌آید. حقوق محیط زیستی در نظام حقوق بشر به‌عنوان حقوق همبستگی و جمعی پذیرفته شده است. حق بر محیط زیست سالم، امروزه در اسناد بین‌المللی یک حق بنیادین شناخته می‌شود که ارتباط مستقیمی با حقوقی چون حق حیات، حق سلامت و حق امنیت غذایی دارد.

اصل عدالت بین‌نسلی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. این اصل تاکید می‌کند که نسل حاضر موظف است منابع طبیعی را به گونه‌ای مصرف کند که امکان بهره‌مندی نسل‌های آینده نیز باقی بماند. در ایران، تخریب منابع آبی و خاکی نه تنها حقوق شهروندان امروز، بلکه حقوق آیندگان را نیز تهدید می‌کند.

قابلیت‌ها و ابزارهای حقوقی برای مهار

تخریب محیط زیست

قانون می‌تواند از طریق ابزارهای مختلف نقشی کلیدی در مهار تخریب محیط زیست ایفا کند. شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد باید بتوانند

علیه دولت‌ها و شرکت‌ها به دلیل تخریب محیط زیست اقدام دعوی کنند. در برخی کشورها

دادگاه‌های تخصصی محیط زیست تأسیس شده‌اند که تجربه‌ای موفق به شمار می‌رود.

این اقدام در ادبیات حقوقی «دادرسی محیط زیستی» نامیده می‌شود.

مسئولیت مدنی

کارآمد و مشارکت فعال جامعه مدنی وجود داشته باشد. در قانون مسئولیت مدنی و در اصول بنیادین

حقوقی به‌ویژه اصل «لاضرر» پذیرفته شده است که هیچ‌کس نباید حتی با استفاده از حق خود به دیگری زیان وارد کند. در صورت ایجاد زیان، شخص موظف به جبران خسارت است. بوده‌اند همچنان از ظرفیت‌های حقوقی موجود بهره گیرند. و از سوی دیگر، ایجاد دادگاه‌های تخصصی محیط زیست با صلاحیت مؤثر،

مسئولیت کیفری

تخریب محیط زیست، شکار و صید غیرقانونی، تخریب جنگل‌ها، تولید زغال، آلودگی آب‌ها و بسیاری از موارد مشابه در چارچوب حقوق کیفری جرم‌انگاری شده‌اند و برای مرتکبان آن‌ها مسئولیت جزایی پیش‌بینی شده است. هرچند آمار دقیقی از میزان اجرای این مقررات در دسترس نیست، اما ظرفیت برخورد حقوقی وجود دارد. افزایش مجازات‌ها و جرایم تقدی، تعطیلی واحدهای آلاینده و در کنار آن، نظارت مستمر و پاسخ‌گویی جدی می‌تواند در مهار تخریب‌های زیست‌محیطی مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- مه‌ار تخریب محیط زیست پیش از هر چیز نیازمند اراده سیاسی و اجتماعی همراه با سختگیری‌های حقوقی است. ابزارهای حقوقی موجود، چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی، ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای حفاظت از محیط زیست دارند. با این حال، این ظرفیت‌ها تنها زمانی مؤثر خواهند بود که ضمانت اجرایی قوی، قوه قضاییه مستقل، نهادهای نظارتی
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل پنجاهم
- قانون حفاظت و به‌سازی محیط زیست، مصوب ۱۳۵۳
- قانون مدیریت پسماند، مصوب ۱۳۸۳
- قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، مصوب ۱۳۹۴
- قانون هوای پاک، مصوب ۱۳۹۶
- سازمان حفاظت محیط زیست ایران، گزارش ملی بیابان‌زایی و فرسایش خاک، ۱۴۰۱
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بررسی پیامدهای اجتماعی بحران آب در ایران، ۱۴۰۰



ما از عدالت سسهمی داریم
 دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
 سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
 سردبیر این شماره: مریم نفوری
 تماس با مجله: mail@iranhr.net